یک‌شنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۲ . شماره ۲۱۳۳۷
۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۵ . ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳
خراسان روزنامه صبح ایران

اختصاصی خراسان

متهم به قتل بر طبل انکار کوبید

رقص مرگ در جشن شیطانی!

او دست دختری را گرفته بود و به درون اتاق می کشید که جوانی مقابلش ایستاد و...

سید خلیل سجادپور - پنجم بهمن سال ۱۴۰۱ بود که جوان ۲۶ ساله تعدادی از دوستانش را به یک مهمانی شیطانی فراخواند و نام «جشن تولد» بر آن نهاد. طولی نکشید که تعدادی دختر و پسر راهی منزلی در منطقه قاسم آباد شدند. صدای موسیقی با رقص نورهای رنگی در هم آمیخته بود و بادکنک های مشکی در کنار ظروف میوه و شیرینی در حالی خودنمایی می کردند که مشروبات الکلی نیز در اطراف تنقلات و بطری های دلستر و نوشابه نشان از پایکوبی مستانه داشت. هنوز عقربه های ساعت به نیمه شب نرسیده بودند که فضای جشن مختلط دختر و پسران جوان به مستی و عربده کشی گره خورد و صدای موسیقی هم آهنگ «مرگ» به خود گرفت به گونه ای که دیگر فضای اتاق بوی خون می داد. در همین هنگام «محسن-گ» جوانی که رنگ چهره اش به «مستی» گراییده بود و چنین وانمود می کرد که از حال طبیعی خارج شده است ناگهان دست دختری را گرفت که در کنارش نشسته بود. او قصد داشت دختر جوان را به درون اتاق بکشاند که ناگهان جوان ۳۰ ساله ای به نام «علی-س» را به همراه چند نفر دیگر مقابل خودش دید. آن ها تلاش می کردند تا دختر را از چنگ «محسن» برهانند، ولی او در یک لحظه خشم فروخورده اش را به فریادی وحشتناک گره زد و تیغه کاردی هولناک را از غلاف بیرون کشید. هر کس مقابلش قرار می گرفت تیغه کارد هم بر پیکرش فرو می رفت. او نه تنها «علی-س» را با ضرباتی وحشتناک نقش بر زمین کرد، بلکه تیغه کارد را بر پیکر برادرش کاظم نیز فرود آورد و یکی دیگر از مهمانان را هم راهی بیمارستان کرد. دقایقی بعد مشخص شد که تیغه دشنه در سینه جوان ۳۰ ساله شکسته است و از شدت درد به خود می پیچد. برخی از مهمانان وحشت زده از محل جشن شیطانی گریختند و برخی دیگر مجروحان را سوار بر پراید کردند و به طرف بیمارستان طالقانی به راه افتادند. اما معاینات پزشکی در حالی از مرگ «علی-س» (جوان ۳۰ ساله) خبر می داد که اثری از پراید سواران نبود و آن ها از مرکز درمانی فرار کرده بودند.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، حاکی است با گزارش این جنایت تکان دهنده به نیروهای انتظامی بلافاصله سرهنگ احمد زمانی (رئیس کلانتری قاسم آباد) به همراه گروهی از افسران دایره تجسس راهی بیمارستان شد و بی درنگ مراتب را به قاضی دکتر صادق صفری (قاضی ویژه قتل عمد) اطلاع داد.

عقربه های ساعت، بامداد روز بعد را به اهالی مشهد نشان می داد که مقام قضایی نیز به همراه گروهی تخصصی از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به مرکز درمانی رسیدند و به این ترتیب تحقیقات قضایی در حالی آغاز شد که «محسن-گ» (متهم به قتل) نیز در مرکز درمانی بستری بود و با داستان سرایی های ساختگی سعی داشت حقیقت ماجرای این قتل وحشتناک را پنهان کند، اما دقایقی بعد راز این جنایت هولناک هنگامی فاش شد که دامنه بررسی های ویژه مقام قضایی به خیابان بهورز کشید و ماجرای رقص مرگ در جشن شیطانی لو رفت. «محسن-گ» (متهم به قتل) که به شعبه ویژه قتل عمد مشهد هدایت شده بود در پاسخ به سوالات مقام قضایی گفت: با احسان و برادرم به جشن تولد یکی از دوستانم دعوت بودیم به همین دلیل به دنبال «فرشته» دختری در منطقه گلشهر رفتیم و با او به جشن تولد آمدیم. من در سال ۹۷ به خاطر مصرف مشروبات الکلی به تحمل حد شلاق محکوم شده بودم و چند ماه می شد دیگر مشروب ننوشیده بودم.

آن شب دختری به من گفت: «مشروب بریز» من هم وقتی دیدم حالش خوب نیست به او گفتم بیا این بطری را به خانه خودتان ببر ولی این جا نخور! از همان جا کل کل من و «علی-س» (مقتول) آغاز شد چرا که من دست دختر را گرفتم تا او را به داخل اتاق ببرم که سروصدا نکند! ولی «علی-س» جلو آمد و چند نفر دیگر از جمله برادرم مقابلم ایستادند در همین حال من چاقو کشیدم و چند نفر را زدم...

بنابر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، در پی اعترافات صریح متهم، کیفرخواست این پرونده جنایی در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد صادر شد و سپس متهم در شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی پای میز محاکمه ایستاد، اما در جلسات دادگاه که به ریاست قاضی هادی دنیادیده و مستشاری قاضی غلامرضا مصطفوی برگزار شد و وکلای مدافع طرفین پرونده حضور داشتند، «محسن-گ» بر طبل انکار کوبید و تلاش کرد این جنایت تکان دهنده را به ماجرای مستی و مشروب خوری گره بزند.

گزارش خبرنگار روزنامه خراسان، از آخرین جلسه دادگاه حاکی است قضات باتجربه شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی که با طمانینه و آرامش خاصی به دفاعیات وکلا و اظهارات متهم و شاهدان گوش می دادند زمان بسیاری را برای رسیدگی به این پرونده جنایی سپری کردند به گونه ای که گویی عقربه های ساعت نیز خسته شده بودند و به کندی حرکت می کردند.

در این شرایط «محسن-گ» (متهم به قتل) مقابل میز عدالت قرار گرفت و در پاسخ به سوالات فنی قاضی هادی دنیادیده گفت: آن شب قصد داشتم برای کار به چالوس بروم که یکی از بچه محل هایم که تازه از سربازی آمده بود مرا به جشن تولد دعوت کرد. من هم به همراه برادرم، احسان و دوست دختر او (فرشته) با پراید کاظم به قاسم آباد رفتیم و مشغول نوشیدن مشروبات الکلی دست ساز شدیم که من ۱۰ لیوان خوردم! آن جا من چاقو را برای پوست کردن کیوی برداشتم و فرشته هم تنها در کناری نشسته بود دیگر هیچی به خاطر ندارم!

پس چرا نزد بازپرس به قتل اعتراف کردید؟ ترسیده بودم! در بازسازی صحنه قتل هم هر چیزی آقای بازپرس گفت من هم تکرار کردم!

شما قبلا گفتید ۵ یا ۶ پیک کوچک مشروب خوردم اما الان مدعی هستید ۱۰ لیوان نوشیده اید؟ ۵-۶ پیک یادم هست دیگر یادم نیست چقدر خوردم!

چاقو را چرا پشت بام انداختید؟ چنین سوالی را قبول ندارم!

شما گفتید «علی-س» با من کل کل کرد؟ نه! من چنین چیزی نگفتم فقط آن جا «محمد-ب» (یکی از مهمانان) به من گفت: این دختر می خواهد برود، نگذار برود چون حالش خراب است. من هم کلید را گرفتم و در را قفل کردم به همین خاطر هم آن دختر با من جر و بحث کرد.

پس شما چگونه به خاطر دارید که مانع خروج آن دختر شده اید؟ وقتی دوستم سبحان از آن جا رفت من در اتاق را قفل کردم و بعد هم دو پیک دیگر مشروب خوردم!

شما قبلا گفتید که کاظم (برادر خودتان) و حسن (میزبان جشن تولد) را هم مجروح کرده اید؟ یادم نیست!

به گزارش روزنامه خراسان، در این هنگام رئیس دادگاه از «جواد جلالی» (وکیل اولیای دم) نیز خواست دفاعیات خود را بازگو کند. این وکیل دادگستری نیز با استناد به اعترافات متهم به قتل گفت: آن چاقویی را که متهم مدعی است با آن میوه کیوی را پوست کرده است در حالت عادی و هوشیاری هم کسی نمی تواند با آن کیوی را پوست کند. از سوی دیگر هم ایشان حتی رنگ لباس مرحوم «علی-س» را به خاطر دارد و راه گریز را هم از پشت بام فهمیده است پس چگونه ادعا می کند که حال طبیعی نداشت. گویی متهم هنوز هم تحت تاثیر عوارض مشروباتی است که آن زمان (هنگام وقوع جنایت) نوشیده بود!

در ادامه جلسه دادگاه نیز حسن (میزبان) مقابل قضات دادگاه قرار گرفت و گفت: آن شب وقتی «محسن» با دیگران به خاطر آن دختر درگیر شد ضربه چاقو را به صورت کلنگی بر شانه «علی-س» وارد کرد و دست دختری را گرفته بود و به سمت اتاق می برد که دوست «محمد-ب» بود. بقیه هم مانع شدند که «محسن» با عصبانیت چاقو را از غلاف بیرون کشید و من هم که می خواستم چاقو را بگیرم تیغه آن انگشتم را برید ولی او با لگد مرا به داخل اتاق انداخت و بعد سراغ «علی-س» رفت و او را زد! این در حالی بود که مست بود ولی من به خاطر بیماری دیابت (قند) که دارم مشروب مصرف نکرده بودم و صحنه قتل را از درون اتاق به وضوح دیدم...

بنابر گزارش روزنامه خراسان، با پایان یافتن آخرین جلسه دادگاه، قضات شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی در حالی وارد شور شدند تا رای خود را درباره این پرونده جنایی صادر کنند که قاضی حسین دلخوش (معاون دادستان عمومی و انقلاب مشهد) نیز با قرائت کیفرخواست در ابتدای جلسه دادگاه، صدور مجازات قانونی برای متهم و دیگر عوامل مرتبط با این پرونده جنایی را از محضر دادگاه درخواست کرد.

تصاویری از محل وقوع قتل

در امتداد تاریکی

فرجام خوشگذرانی در خانه مجردی!

روزی که در رشته مهندسی معماری دانشگاه یزد پذیرفته شدم پدر و مادرم از خوشحالی در پوست خود نمی گنجیدند و با افتخار نام مرا آقای «مهندس» صدا می زدند به همین دلیل هم برایم خانه مجردی اجاره کردند تا در رفاه و آسایش به تحصیل در دانشگاه ادامه بدهم، اما از ترم دوم تحصیل سرنوشتم به گونه ای تغییر کرد که...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، جوان ۲۷ ساله مجرد که با شکایت خانواده اش قرار بود به یکی از مراکز ترک اعتیاد اجباری منتقل شود، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: آخرین فرزند و تک پسر خانواده ۹ نفره بودم که در شهرستان خوانسار زندگی می کردیم. پدرم نظامی و مادرم خانه دار بود، اما چون همه فرزندانشان دختر بودند من خیلی مورد توجه خانواده قرار گرفتم به طوری که پدرم سعی می کرد مرا جوانی مستقل و به قول خودش «باهیبت» بار بیاورد، به همین دلیل بهترین امکانات را برایم فراهم می کردند و در مدارس غیرانتفاعی درس می خواندم. هر نوع لوازم تحریر و کتاب های کمک آموزشی که اراده می کردم بلافاصله برایم می خریدند و هیچ کدام از خواسته هایم را نادیده نمی گرفتند. در این میان از حق نگذریم من هم شاگرد زرنگ مدرسه بودم و هر سال شاگرد اول می شدم. حتی در یکی از رشته های رزمی هم به طور حرفه ای ورزش می کردم و چندین مقام استانی هم کسب کردم و در کنار این فعالیت ها به هنر نقاشی هم علاقه مند بودم و در کلاس های نقاشی هم شرکت می کردم. پدر و مادرم با افتخار نام مرا بر زبان جاری می کردند و در میان بچه های فامیل زبانزد بودم و بسیاری از دوستانم حسرت مرا می خوردند. حتی وقتی نتایج آزمون سراسری اعلام شد من با رتبه عالی در رشته مهندسی دانشگاه یزد پذیرفته شدم، پدر و مادرم از خوشحالی جشن گرفتند و از همان روز مرا آقای «مهندس» صدا می زدند.

خلاصه طولی نکشید که از خوانسار راهی یزد شدم و در دانشگاه ثبت نام کردم. پدرم نیز یک منزل مجردی برایم اجاره کرد تا مشکلات خوابگاه دانشجویی را نداشته باشم و در رفاه و آسایش ادامه تحصیل بدهم. من هم که از شهرستان به یک محیط بزرگ تر آمده بودم انگار دنیا برایم تغییر کرد. هنوز در آخرین روزهای پایان ترم اول دانشگاه بودم که با «رامین» آشنا شدم. او اهل یکی از شهرهای شمالی کشور بود و به خاطر عاشقی در فضای مجازی به یزد آمده بود. «رامین» دختری بزرگ تر از خودش را دوست داشت و برای آن که به او نزدیک باشد و با یکدیگر ارتباط پنهانی داشته باشند از شهر خودشان راهی یزد شده بود و به همین دلیل رفاقت من و «رامین» خیلی صمیمانه شد و او در اولین مرحله از این دوستی بی ریا مرا تشویق کرد تا لباس های شیک بپوشم و سروصورتم را کاملا اصلاح کنم. او معتقد بود من مانند پیرمردها لباس می پوشم و مانند پیرزن ها راه می روم! خلاصه بعد از تغییر تیپ و قیافه ظاهری، پای من به پارتی های مختلط شبانه باز شد؛ چرا که «رامین» با «مهستی» به پارتی های شبانه می رفت و مرا هم مدام دعوت می کردند. بسیاری از شب ها نیز این گونه پارتی ها در خانه مجردی من برگزار می شد تا جایی که خانه ام به پاتوق افراد ناباب تبدیل شده بود. در همین رفت و آمدها با مشروبات الکلی و انواع مواد مخدر آشنا شدم و برای آن که نزد دوستان «رامین» و به ویژه دخترانی که در پارتی شرکت می کردند، کم نیاورم سعی می کردم از هر نوع موادی استفاده کنم و سیگار هم همواره لابه لای انگشتانم خودنمایی می کرد. همسایگان که پدرم را می شناختند، چندبار به او تذکر داده بودند، ولی من گوشم بدهکار این حرف ها نبود! پدر و مادرم چندبار به یزد آمدند تا از وضعیت من خبر بگیرند، ولی من به پیشنهاد «رامین» همه چیز را پاک سازی می کردم. انواع کتاب های قطور غیر درسی را روی میز می گذاشتم تا چنین وانمود کنم که مدام در حال مطالعه و تحصیل هستم! در همین اثنا چند بار نیز سرقت های خرد از دوستانم و کسانی که به منزلم می آمدند، انجام دادم تا بتوانم هزینه های مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی را تامین کنم، ولی مصرفم روز به روز بیشتر می شد! خلاصه خیلی زود اسیر مواد افیونی شدم و پول هایی که پدرم می فرستاد کفاف مخارج زندگی و خوشگذرانی های مرا نمی داد. دوترم بود که در دانشگاه مشروط می شدم، اما اهمیت نمی دادم و مدام به دنبال عیاشی بودم تا حدی که به خرده فروشی مواد روی آوردم. پدرم که آرام آرام متوجه موضوع شده بود، سعی می کرد مرا از این مسیر خطرناک باز دارد، ولی من دیگر در این مرداب وحشتناک دست و پا می زدم. خلاصه به هر بدبختی بود تحصیلاتم را به پایان رساندم و پدرم مرا به شهر خودمان برد، ولی همه فامیل متوجه اعتیادم شدند و پدرم هر روز با سرزنش های دیگران مواجه می شد به همین دلیل همه ملک و املاک خودش را فروخت و به ناچار به مشهد مهاجرت کردیم. در این جا چندین بار در مراکز ترک اعتیاد بستری شدم ولی فایده ای نداشت. مواد مخدر خیلی روح و روانم را تسخیر کرده بود و من در توهم شیشه روی پدر و مادر خودم چاقو می کشیدم و اموال مردم را به سرقت می بردم. بالاخره تحمل پدر و مادرم به سر رسید و آن ها از من شکایت کردند تا شاید وقتی در زندان هستم به خودم بیایم و مسیر درست زندگی را پیدا کنم. اما ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است این جوان ۲۷ ساله با صدور دستوری از سوی سرهنگ قاسم همت آبادی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) و با هماهنگی های قضایی در حالی روانه مرکز ترک اعتیاد شد که چند نفر نیز از وی به جرم سرقت شکایت کرده بودند!

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

جاساز ماهرانه شمش های طلا در کانال های کولر اتوبوس عبوری لورفت

توکلی - شمش های میلیاردی طلای قاچاق به مقصد نرسید. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی استان کرمان در تشریح جزئیات این خبر، اظهار کرد: نیروهای پلیس امنیت مستقر در ایستگاه بازرسی «سه راهی راین» هنگام کنترل خودروهای عبوری به یک دستگاه اتوبوس مسافربری مشکوک شدند و برای بررسی بیشتر آن را متوقف کردند. سردار ناصر فرشید ادامه داد: ماموران با هماهنگی قضایی و در بازرسی از این وسیله نقلیه تعداد سه قطعه شمش طلا، یک قطعه شمش طلای آب شده و یک عدد سکه را که به صورت قاچاق و بدون مجوز قانونی درون کانال های کولر اتوبوس به صورت ماهرانه جاسازی شده بود، کشف کردند. این مقام ارشد تصریح کرد: برابر نظریه کارشناسان، ارزش طلاهای کشف شده بیش از ۱۵ میلیارد ریال برآورد شده است.

فرمانده انتظامی استان کرمان با بیان این که متهم ۲۶ ساله در تحقیقات اولیه به جرم خود و حمل طلای قاچاق از جنوب کشور به قصد تحویل در استان های همجوار استان کرمان اعتراف کرد، اظهار کرد: متهم برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی و طلاهای کشف شده برابر دستور قضایی تحویل بانک ملی شد.

تحویل مستندات پرونده قتل «مهرجویی» به دستگاه قضا

سخنگوی فراجا از تحویل تمامی مدارک و مستندات مربوط به قتل داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی فر به دستگاه قضایی خبر داد و اعلام کرد که از پنج شنبه هفته گذشته با تصمیم وزارت کشور مقرر شد تا هرگونه اطلاع رسانی در خصوص این پرونده از سوی دستگاه قضایی منتشر شود.

به گزارش ایسنا، سردار سعید منتظرالمهدی درباره آخرین وضعیت پیگیری پرونده قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی فر گفت: آن چه که پلیس در این پرونده انجام داد، اجرای عملیات برای شناسایی و دستگیری قاتلان بود که این موضوع از همان دقایق اولیه اطلاع از وقوع قتل در دستور کار ماموران پلیس قرار گرفت.

وی با بیان این که مجموعه پلیس با استفاده از تجهیزات فنی و تجربیات و دانش کارآگاهان زبده در کمتر از ۷۲ ساعت قاتلان را شناسایی و دستگیر کردند، گفت: پس از آن در اسرع وقت صحنه جرم با حضور متهمان بازسازی شد. سخنگوی فراجا درباره چرایی جلوگیری از حضور خبرنگاران در محل بازسازی صحنه قتل داریوش مهرجویی و همسرش نیز گفت: حضور خبرنگاران در صحنه بازسازی جرم با صدور مجوز مقام قضایی قابل انجام است و این موضوع ارتباطی به فراجا نداشت.

منتظرالمهدی همچنین از تحویل تمامی مدارک و مستندات متهمان این پرونده به دستگاه قضایی خبر داد و گفت: بنابر اعلام وزارت کشور مقرر شد تا هرگونه اطلاع رسانی از زمان تحویل متهمان به دستگاه قضایی یعنی پنج شنبه هفته گذشته، از طریق قوه قضاییه انجام شود.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۹۳ | ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۰۸۰۰۱ مورخ ۱۴۰۲.۰۴.۱۴ هیات تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی طرقبه شاندیز تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای سینا فرخی به شناسنامه شماره ۰۹۲۱۵۱۷۸۳۱ صادره مشهد فرزند مصطفی مورد تقاضا و انتقال از محل مالکیت مشاعی متقاضی نسبت به مالکیت ششدانگ باب ساختمان به مساحت ۳۵۴.۷۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۵ فرعی از ۹۰ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۶ حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز محرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی و کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. م الف ۳۴۴۶ تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲.۰۷.۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۲.۰۷.۳۰

حسن ابوترابی – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز ۳۷۹۴۰

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۹۳ | ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۰۸۰۰۱ مورخ ۱۴۰۲.۰۴.۱۴ هیات تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی طرقبه شاندیز تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای سینا فرخی به شناسنامه شماره ۰۹۲۱۵۱۷۸۳۱ صادره مشهد فرزند مصطفی مورد تقاضا و انتقال از محل مالکیت مشاعی متقاضی نسبت به مالکیت ششدانگ باب ساختمان به مساحت ۳۵۴.۷۵ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۹۵ فرعی از ۹۰ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۶ حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز محرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی و کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. م الف ۳۴۴۸ تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲.۰۷.۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۲.۰۷.۳۰

حسن ابوترابی – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز ۳۷۹۰۲

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۰ و برابر رای شماره ۱۴۹۵ و برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۰۸۰۰۱ مورخ ۱۴۰۲/۴/۱۴ هیات تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی طرقبه شاندیز تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی آقای بهرور خطیبی به شناسنامه شماره ۲۶۷۳ کدملی ۰۴۵۰۴۳۶۱۰۱ صادره تهران فرزند مصطفی از محل مالکیت مشاعی متقاضی نسبت به مالکیت ششدانگ. باغ محصور مشتمل بر بنا به مساحت ۲۰۱۳.۴۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۷۹ فرعی از ۸۷ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۶ حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز محرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی و کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. م الف ۳۴۵۶ تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲.۰۷.۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۲/۷/۳۰

حسن ابوترابی – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز ۳۷۸۸۲